چهارشنبه ۴ دی‌ماه ۱۳۹۸
سال دوازدهم شماره ۱۶۴۴
www.sepehrpress.ir

از پستانک و شیشه طلا تا کِش‌های طلاباف برای کودک؛

عیار تازه در سیسمونی‌های لاکچری

سپهرغرب، گروه خانواده: تب مدگرایی این‌بار به حوزه کودک رسیده و فروشگاهی در مشهد سیسمونی‌های لاکچری را به خانواده‌های ایرانی می‌فروشد.

چندروز پیش یکی از دوستان آدرس یک طلافروشی در خیابان راهنمایی را به من داد که این طلافروشی با عنوان «گالری تخصصی طلا و جواهر کودک» مشغول به کار است؛ با توجه به اینکه سوژه جذابی به نظر آمد، تصمیم گرفتم سری به آن طلافروشی بزنم.

پشت ویترین مغازه انواع و اقسام وسایلی که می‌شد با آن‌ها عیار یک بچه را بالا بُرد، دیده می‌شد! از انگشتر و دستبند گرفته تا سنجاق سینه و گردنبند که هرکدام در طرح‌ها و مدل‌های مختلف ارائه شده بود.

جلوی تمام این سرویس‌ها یک جعبه به‌شدت توی چشم بود که روی آن شیشه شیر، پستانک و تل طلا خودنمایی می‌کرد.

برای اینکه از قیمت وسایل مذکور مطلع شوم، وارد مغازه شدم. فروشنده یک خانم بود و خیلی باحوصله به سؤالاتم جواب داد؛ پرسیدم حالا واقعاً این وسایل طلا هستند (با توجه به اینکه مدتی پیش یک گزارش هم در مورد فروش دونات، بستنی و نوشیدنی طلا در مشهد کار کرده بودم و در آن گزارش مشخص شده بود که این دونات‌ها به اسم و به قیمت طلا فروخته می‌شوند؛ اما واقعاً طلا نیستند) که در جواب گفت: بله طلا هستند، اینجا مغازه طلافروشی است.

فروشنده ادامه داد: به‌طور کل ما یک گالری تخصصی طلا و جواهر کودک در مشهد هستیم.

پرسیدم دقیقاً چه چیزهایی برای کودکان می‌سازید؟ گفت: درحال حاضر علاوه‌بر انگشتر، دستبند، گردنبند، گوشواره و پلاک، شیشه شیر، پستانک، کِش مو، تاج، تِل سر، زنجیر پستانک، دستبند، نشان و زنجیر گردن پسرانه هم می‌سازیم.

از قیمت وسایل پرسیدم که در جواب بیان کرد: وسایل متفاوت و بسته به میزان کاری که روی آن‌ها صورت می‌گیرد، قیمت‌گذاری می‌شوند.

به‌طور مثال تِل ۲۰ میلیون، کِش مو پنج میلیون، سنجاق سینه حدود دو میلیون، پستانک دو میلیون و شیشه شیر هشت میلیون تومان و چنانچه سرویس انگشتر، گوشواره، دستبند و گردنبند هم بخواهید، قیمت‌ها از چهار میلیون تومان شروع می‌شود.

فروشنده ادامه داد: همچنین چنانچه یک سرویس کامل از موارد گفته‌شده را بخواهید، حدود ۴۰ میلیون تومان باید به چشمتان ببینید!

وی بیان کرد: درحال حاضر تنها در مشهد شعبه داریم، اما چنانچه سفارش داشته باشیم، به تمامی نقاط ایران کالاها را ارسال و یا مطابق با آنچه مشتری تقاضا کند، سفارش می‌پذیریم.

موقع خروج از مغازه کارتشان را دادند و گفتند برای خرید این موارد احتیاج به سفارش نیست؛ هر زمان که بخواهید، موجودی داریم.

سازمان صمت از تولید چنین مصنوعاتی حمایت نمی‌کند

معاون بازرگانی سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی در این خصوص گفت: واحدهای صنفی که در رابطه با مصنوعات فعالیت دارند، اقدام به دریافت پروانه کسب تولید می‌کنند و در گرفتن این پروانه هیچ قیدی وجود ندارد که چه مصنوعی را تولید کنند و یا نکنند.

علی غفوری‌مقدم ضمن بیان این موضوع که تاکنون گزارش مستندی در این خصوص نداشتیم اما این مورد قابل بررسی است، ادامه داد: به‌عنوان سازمان صمت از تولید چنین اقلامی حمایت و پشتیبانی نمی‌کنیم، حتی چنانچه به‌لحاظ قانونی منعی برای تولید وجود نداشته باشد.

وی تولید این کالاها را عاملی در رواج مصرف‌گرایی و دامن زدن به عادت‌های نادرستی دانست که با هنجارهای اجتماعی ما همخوانی ندارد.

معاون بازرگانی سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی تأکید کرد: چنانچه چنین موردی مستند باشد، پیگیری می‌کنیم که واحد تولیدی به‌جای پرداختن به این مورد که به‌جز ایجاد تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و رقابت‌های غیر سازنده نتیجه دیگری ندارد، به تولید کالایی بپردازد که با فرهنگ کشور ما همخوانی داشته باشد.

در ضوابط منعی برای تولید چنین کالایی نیست

غفوری‌مقدم بیان کرد: تصور نمی‌کنم در ضوابط منعی برای تولید چنین کالاهایی وجود داشته باشد، چنانچه بعد از پیگیری این منع وجود داشت، با آن‌ها برخورد می‌شود؛ اما چنانچه ممنوعیتی وجود نداشته باشد، باید به سمتی رفت که زمینه برای عدم تولید چنین کالاهایی فراهم و چنانچه لازم است، ممنوعیتی درنظر گرفته شود.

وی وجود استاندارد، رعایت نکات بهداشتی و مسائل شرعی را عاملی مؤثر در مسیر تولید یک محصول و گرفتن پروانه خواند و گفت: این مورد خاص نه نیاز به استاندارد اجباری و نه نیازی به مجوز بهداشتی دارد، اما به‌هرحال خلاف ارزش‌های اجتماعی ماست که باید به آن دامن زده نشود.

معاون بازرگانی سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی خاطرنشان کرد: به نظر می‌آید در این زمینه خلأ قانونی وجود دارد، اما برای اطمینان بیشتر باید بررسی شود.

جامعه ایرانی در برخی الگوها یک جامعه مصرفی است

در ادامه یک جامعه‌شناس جامعه ایران را در برخی از الگوهای مصرف و نه در همه الگوها، یک جامعه مصرفی دانست و بیان کرد: به‌ویژه حوزه مصرف تظاهری، یکی از این الگوهاست؛ همچنین در حوزه مصرف انرژی، بالاترین مصرف جهان را داریم.

غلامرضا حسنی ادامه داد: البته این مصرف در تمامی اقشار یکسان نیستند و طبیعتاً دهک‌های پایین‌تر جامعه مصرف کمتری دارند.

وی تصریح کرد: در فرآیند جامعه‌پذیری، افراد الگوهای مصرف را به‌عنوان الگوهای نشان‌دهنده طبقه اجتماعی خود می‌بینند، بنابراین چنانچه مصرف تحت تأثیر جلوه‌های تبلیغاتی نمود یابد، افراد برای اینکه خودی نشان دهند، دست به انتخاب این نمادها می‌زنند.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد با اشاره به اینکه جلوه‌های مذکور را در مجالس بسیار ملاحظه می‌کنیم، افزود: حتی کار به جایی رسیده که در مجالس مذهبی هم این تظاهرها مشاهده می‌شود.

حسنی با تأکید بر اینکه دین اسلام مصرف‌گرایی را مذموم دانسته و بر مصرف معقول تأکید کرده است، خاطرنشان کرد: در الگوی اسلامی مصرف براساس نیاز افراد تعریف می‌شود.

این محقق مسائل اجتماعی فرهنگ‌سازی و در مرحله دوم تغییر در نظام تولید و بهینه کردن آن را مهم‌ترین عوامل ایجاد مصرف بهینه خواند و کاهش بیکاری و هزینه‌کرد مصرف بهینه در افزایش تولید را از نتایج مصرف بهینه برشمرد.

وی با بیان این موضوع که الگوی مصرف در نحوه تولید هم هست، گفت: از بین رفتن بیش از ۳۰ درصدی محصولات کشاورزی از زمان کشت تا زمان برداشت هم یک اسراف است.

به دنبال مُد رفتن جلوه‌ای از فرهنگ نمایشی

حسنی در ادامه سخنان خود دنبال مُد رفتن را جلوه‌ای از فرهنگ نمایشی خواند و بر نقش رسانه‌ها و نظام سرمایه‌داری که نفعش در سود و مصرف است، در تشدید این مُدگرایی تأکید کرد.

این جامعه‌شناس حاصل تمام این الگوهای بهینه را پس‌انداز بیشتر و به تبع آن ایجاد شرایط سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی و ایجاد رفاه معقول برشمرد.

وی با بیان این موضوع که الگوهای مصرف بهینه یکی از راه‌های رسیدن به اقتصاد مقاومتی است، درخصوص تفاوت بین بدمصرفی و مصرف‌زدگی ابراز کرد: بدمصرفی همان اسراف که علت آن عدم آگاهی فرد است، به‌طور مثال تأکید بسیار داریم بر پُرخوری و پُرخوری را نشانه سلامتی می‌دانیم!

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد استفاده از برندها و تجمل‌گرایی در مجالس را مصرف‌زدگی دانست و اظهار کرد: با توجه به اینکه جامعه ما تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی است، باید الگوهای مصرف را به سمتی ببریم که این فشار را خنثی کنیم.

حسنی با بیان اینکه رفتن به این سمت یک همت همگانی می‌خواهد، گفت: رسانه، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و دیگر کانال‌های دارای نفوذ در اجتماع باید خود تبدیل به الگوهای ساده‌زیستی شوند، البته این امر به معنی ریاضت‌کشی نیست، بلکه به معنای همگرا کردن الگوی مصرفی با متوسط مصرف جهانی است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود بر کنترل ثروت‌اندوزی اشاره کرد و متذکر شد: توزیع ثروت باید به‌گونه‌ای باشد که شکاف طبقاتی تشدید نشود، چراکه این امر کاهش اعتماد، همبستگی اجتماعی و افزایش شکاف اجتماعی را به دنبال دارد و درحالی است که آموزه‌های دینی ما ثروت‌اندوزی و فخرفروشی را طرد می‌کند.

این محقق شکاف اجتماعی را بسیار مضر دانست و تصریح کرد: زمانی که اصالت پول جایگزین می‌شود؛ همه می‌کوشند که پول بیشتری کسب کنند.

حسنی تأکید کرد: بنابراین تجمل و تظاهر یک بحث و اثرات آن بر اجتماع بحث دیگری است.

اندازه نگهدار که اندازه نکوست

متأسفانه افزایش میل به تجمل و مصرف، میل به دیده شدن توسط افراد دیگر و به عبارتی این تغییر ارزش‌ها به معنای رشد نیازهای کاذب در انسان است و حال افراد برای اینکه بتوانند نیازهای کاذب مذکور را پاسخ بگویند، مجبور می‌شوند دست به هر اقدامی بزنند.

این سبک زندگی نه‌تنها تناسبی باارزش‌های عُرفی و دینی ما ندارد، بلکه در برخی موارد تخریب‌گر هم هست، چه بسیار مواردی را با چشم خود دیده و با گوش‌های خود شنیده‌ام که برای خرید به هر قیمت همین فلزهای طلایی‌رنگ، دعواهای خانوادگی و بدهی‌های بزرگ به‌وجود آمده است.

متأسفانه چندسالی است که تب تجمل‌گرایی گریبان خانواده‌های اصیل ایرانی را گرفته و شدت این تب به‌اندازه‌ای است که حتی افرادی که از تمکن مالی قابل قبولی برخوردار نیستند هم برای اینکه به‌اصطلاح هم‌رنگ جماعت شوند و چشم دیگران را کور کنند، به هر وسیله‌ای چنگ می‌زنند؛ غافل از اینکه چه زیبا در ضرب‌المثل‌های ایرانی آمده است که «هر آفتی را سببی است و سبب درویشی، اسراف».

افراد بعد از طلاق چه مراحلی را سپری می‌کنند؟

سپهرغرب، گروه خانواده: یک روانشناس گفت: طلاق روی روح، روان، جسم، اندیشه و احساس فرد تأثیر می‌گذارد، بنابراین فرد به یک زمان چندماهه تا چندساله نیاز دارد تا بتواند بهبود پیدا کند.

زهرا زین‌الدینی درباره عاقبت افراد بعد از طلاق اظهار کرد: طلاق مانند ازدواج یک انتخاب است، همان‌طور که ما انتخاب می‌کنیم زندگی خود را با همسرمان به شراکت بگذاریم، در طلاق هم وقتی می‌بینیم که این شراکت منصفانه نیست، انتخاب می‌کنیم که از این رابطه خارج شویم.

زین‌الدینی بیان کرد: طلاق را می‌توانیم به یک عمل جراحی تشبیه کنیم، ممکن است ما فقط جراحی روی دستمان انجام داده باشیم، اما به دلیل داروی بیهوشی که دریافت کرده‌ایم، تمام اجزای بدن ما کنش‌های خودش را موقتاً از دست خواهد داد؛ به‌عنوان مثال شما ممکن است جهت‌یابی زمان و مکان را از دست بدهید، درد داشته باشید و نتوانید فعالیت‌های روزمره خودتان را انجام دهید؛ طلاق دقیقاً مانند عمل جراحی است، کاملاً زندگی فرد را دگرگون خواهد کرد.

این روانشناس گفت: طلاق روی روح، روان، جسم، اندیشه و احساس فرد تأثیر می‌گذارد، بنابراین فرد به یک زمان چندماهه تا چندساله نیاز دارد تا بتواند بهبود پیدا کند و زندگی جدید خودش را که سرشار از آزادی، نشاط و هدفمندی است، بسازد.

وی ادامه داد: بعد از درست سپری کردن دوره بازسازی پس از طلاق، ممکن است زندگی فرد به سطحی برسد که حتی خیلی بهتر از قبل باشد؛ البته درصورتی که بتواند دوره بهبودی را به‌خوبی سپری کند. به‌عنوان مثال یکی از مواردی که فرد باید رعایت کند، این است که وارد رابطه عاطفی دیگری نشود، چون آمادگی لازم را ندارد و ممکن است ضربه عاطفی تجربه کند.

زین‌الدینی با بیان اینکه در طول دوره بازسازی فرد از یک‌سری مراحل عبور خواهد کرد تا به احساس آزادی و شادی برسد، افزود: این مراحل شامل انکار کردن شرایط پیش‌آمده، احساس ترس از شرایط جدید، سازگاری به شکل ناسالم، احساس شدید تنهایی، از دست دادن دوستی‌ها، احساس گناه و طرد شدن، احساس غمگینی، احساس خشم، رها کردن گذشته، احساس خودارزشمندی و عزت نفس، مرحله انتقال و حل کردن علت‌های از هم پاشیده شدن رابطه قبلی خود، صداقت با خود و دیگران، مرحله عشق، اعتماد، تمایلات جنسی، استقلال، هدفمندی و آزادی است.

این روانشناس با اشاره به اینکه برای عبور از هر مرحله باید زمان خاصی درنظر گرفته شود و فرد باید بسیار صبور باشد تا بتواند تک‌تک مراحل را به‌درستی طی کند و با موفقیت از آن‌ها خارج شود، اضافه کرد: گاهی اوقات ممکن است فرد طی یک زمان در چندین مرحله باشد، یعنی هم‌زمان هم احساس خشم از همسر سابقش و هم احساس غمگینی و تنهایی داشته باشد.

زین‌الدینی خاطرنشان کرد: این مسیر بسیار سخت و پُرفرازونشیب است، معمولاً اطرافیان درک و حمایت لازم را ندارند و البته بهتر است برای گذر کردن از این مراحل افراد کمک حرفه‌ای دریافت کنند و بدانند که بعد از طی مسیر می‌توانند زندگی دلخواه خود را بسازند و احساسات بسیار خوبی را تجربه خواهند کرد.

گفت‌وگویی درباره اشتغال زنان، تأثیر آن بر خانواده و تربیت فرزندان

آیا زنان شاغل سالم‌ترند؟

سپهرغرب، گروه خانواده: اشتغال زنان همواره موافقان و مخالفانی دارد و با این وجود روزبه‌روز شاهد افزایش زنان شاغل هستیم. عده‌ای زیادی از زنان اشتغال را لازمه عزتمندی، ارزشمندی اجتماعی، کمک به اقتصاد خانواده، استقلال مالی، فرار از تنهایی و غیره می‌دانند و حاضرند سختی و استرس‌های حاصل از اشتغال را به جان بخرند؛ در مقابل عده‌ای همچنان مخالف اشتغال زنان هستند و معتقدند اشتغال زنان با مدیریت داخلی خانه و تربیت فرزندان در تعارض است.

فاطمه حسنی، دکترای تخصصی روانشناسی و عضو انجمن روانشناسی آمریکا (APA) و ایران به سؤالاتی درخصوص اشتغال زنان پاسخ داد:

نظرتان در مورد کار کردن و فعالیت اجتماعی زنان چیست؟

مطالعات نشان داده که مشارکت زنان در امر اشتغال از قدمت تاریخی برخوردار است. تلاش زنان برای رسیدن به اشتغال در دهه‌های قبل رشد چشمگیری پیدا کرده و این را می‌توان از آمار یابنده‌های کار پیدا کرد؛ امروزه درصد زنان شاغل در هر کشوری شاخصی برای رشد و توسعه آن کشور محسوب می‌شود. مسائل اجتماعی و فرهنگی موجود در کشور شرایطی را ایجاد کرده تا زنان بتوانند در پویایی‌های اجتماعی و خانوادگی مشارکت‌های جدی‌تری داشته باشند.

اشتغال زنان چه کارکردهای مثبت و منفی برای خانواده می‌تواند داشته باشد؟

وقتی زنان براساس تمایل شخصی یا نیاز خانواده وارد بازار کار می‌شوند، مطمئناً یک‌سری تغییرات در برنامه‌های زمان‌بندی، تربیتی، ایفای نقش زوجی، مسئولیت‌پذیری خانواده و غیره ایجاد می‌شود؛ بنابراین بانوان شاغل برای مدیریت این تغییرات باید بتوانند زمان‌بندی را کنترل کرده و توجه بیشتری به سلامت و خستگی بدنی، شرایط روانی و استرس‌های کاری داشته و در پذیرش نقش‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری پیدا کنند؛ همچنین برای تقسیم وظایف و تعریف نقش‌های جدید جنسیتی باید با همسرانشان به توافق برسند.

رعایت این مسائل از اهمیت بالایی برخوردار است و با این معیارها می‌توان کارکرد مثبت و منفی هسته اولیه کارآمد بودن اشتغال زنان در خانواده را اندازه‌گیری کنیم. گاهی اشتغال علاوه‌بر اینکه باعث می‌شود زنان از منفعت اقتصادی بهره‌مند شوند، ازنظر فرهنگی، رشد مهارت‌های اجتماعی و روان‌شناختی، هوش هیجانی، دانش، آگاهی‌های روز و تعاملات اجتماعی نیز شرایطی را ایجاد می‌کند که زن در محیط خانواده از خردمندی بالاتری برخوردار باشد.

آیا کار کردن زن به بهبود مسائل خانوادگی کمک می‌کند؟

محوریت زن برای تعامل اعضای خانواده و مدیریت خانه باعث می‌شود تا استرس و فشار شغلی بیشتر شود؛ با این وجود بسیاری از مطالعات مستند نشان داده است که اشتغال زنان با وجود اینکه استرس‌های محیط کاری و خانه‌داری را دربردارد، می‌تواند در سلامت روانی، شخصیتی، رشد هوش و مهارت‌های اجتماعی، سازگاری آن‌ها با شرایط زندگی، رشد تفکر خلاق و حل مسئله تأثیر مثبتی داشته باشد.

اشتغال زنان در تربیت فرزندان چه تأثیری دارد؟

پژوهش‌ها ثابت کرده که مادران شاغل عزت نفس و اعتمادبه‌نفس بالاتری دارند و با وجود اینکه در ۱۶ ساعت بیداری، زمان کمتری را با فرزندانشان سپری می‌کنند، اما فرزندان آن‌ها به‌لحاظ هوش اجتماعی، یادگیری مهارت‌ها، قاطعیت، جرأت‌ورزی، عزت نفس، اعتمادبه‌نفس و تفکر خلاق به‌طور میانگین مثل مادرانشان نمره بالاتری را نسبت به کسانی که مادران خانه‌داری داشته‌اند، دریافت کرده‌اند.

خیلی وقت‌ها بانوان در شرایطی قرار می‌گیرند که به‌دلیل کوچک بودن کودکانشان، نمی‌توانند آن‌ها را جایی نگهداری کنند؛ بنابراین اگر متولیان امور مشاغل و کار این را مد نظر داشته باشند که شرایط خانم‌ها به‌لحاظ فیزیکی و روان‌شناختی، اجتماعی، زیستی و ارتباط خانواده شرایط ویژه و متفاوتی نسبت به آقایان دارد و این را در سیاست‌های کلان کار و امور اجتماعی برای بانوان قرار دهند، خیلی بیشتر و بهتر می‌توان از بانوان به‌عنوان منابع انسانی استفاده کرد؛ به‌گونه‌ای که درعین‌حال به تربیت فرزندان هم خدشه‌ای وارد نشود.

بهترین راه حل برای مادران شاغل فرستادن فرزند به مهد کودک است یا پیش مادربزرگ؟ کدام راه حل مناسب‌تر است؟

مطالعات می‌گوید کودکانی که ارتباط خوبی با پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها داشته‌اند و شاهد رابطه مسالمت‌آمیز بین والدینشان با والدینِ والدینشان بوده‌اند، از سلامت روان، تعامل شخصیتی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بالاتر برخوردار شده‌اند؛ همچنین میزان سازگاری، انطباق و یادگیری در این کودکان بیشتر از کسانی بوده که رابطه خوبی با پدربزرگ و مادربزرگ‌هایشان نداشته‌اند. اما نمی‌توان گفت که راه حل مناسب برای نگهداری فرزندان مادران شاغل کدام بوده، زیرا نمی‌توان گفت که کدام از این دو فضا صددرصد مثبت و یا منفی است.

آیا نرفتن به مهد کودک و ماندن در کنار پدربزرگ و مادربزرگ می‌تواند باعث عقب افتادن از مهارت‌های اجتماعی باشد؟

معمولاً پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها قوانین سخت و قواعد اصولی را بیشتر برای فرزندانشان به‌کار می‌بردند و وقتی نوبت به نوه‌ها می‌رسد، قاعدتاً به‌دلیل شرایط سنی، ناخودآگاه سختگیری‌هایشان کم می‌شود. همچنین پدربزرگ و مادربزرگ‌ها به‌دلیل علاقه زیادی که به نوه‌هایشان دارند، نمی‌توانند قاطع باشند و یا در جایی که لازم است، آن‌ها را تنبیه کنند؛ درنهایت این دوست داشتن‌ها می‌تواند باعث لوس شدن بچه‌ها شود.

درصورتی که چاره‌ای جز نگهداری کودک نزد پدربزرگ و مادربزرگ ندارید، حتماً باید والدینتان را در ارتباط با مسائل عاطفی، بایدها و نبایدها، تربیت و مهارت‌ها همسو با شیوه تربیتی خودتان کنید؛ در غیر این صورت تفاوت اصول تربیتی با توجه به گذر سریع نسلی، شاید در این زمینه آسیب‌زا باشد و باعث بروز تعارض و دوگانگی در شیوه تربیت بچه‌ها شود که البته این تعارض و دوگانگی می‌تواند سلامت کودکان را به‌لحاظ عاطفی، احساسی و شخصیتی خدشه‌دار کند.

بهترین سن برای رفتن کودکان به مهد کودک چه سنی است؟

ترجیحاً می‌گوییم تا قبل از سن چهار سالگی کودکان در محیط خانواده باشند، اما از چهار سالگی به بعد مادران شاغل می‌توانند کودکانشان را به مهد کودک بسپارند.

درصورت نگهداری کودکان در مهد کودک لازم است والدین بر ارتباط فرزندشان با مربیان و متولیان مهد کودک‌ها نظارت داشته باشند تا ازنظر عاطفی لطمه‌ای به آن‌ها وارد نشود.

* هدی‌سادات پاک‌نهاد